



اعتصاب کارگران شرکت نفت گامی به پیش!

سعید یگانه

به دنبال شکست مفتضحانه رژیم اسلامی در انتخابات و نه بزرگی که مردم به جمهوری اسلامی دادند ، اعتصاب سراسری هزاران کارگردریش از ۷۰ مرکز شرکت های نفت ، پتروشیمی و گاز، در شهرها و استانهای مختلف ، رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی را با چالش بزرگتری روبرو کرده است .اعتصاب مجدد کارگران در مراکز مهم صنایع نفت ، اتفاق سیاسی مهمی است که بار دیگر اذهان عمومی در داخل و خارج کشور را به خود جلب کرد و در مرکز سیاست روز ایران قرار داد . شروع این دوره از اعتصاب کارگران شرکت نفت و پتروشیمی ، آن هم به این گستردگی و هماهنگی در فضای سیاسی ایران ، در ادامه اعتراضات تاکنونی در میان کارگران و بازنشستگان و معلمان و سایر اقشار تهیدست و به خصوص بر دوش تجارب اعتراضات کارگران هفت تپه ، گامی بلند به جلو و جان تازه‌ای به جنبش کارگری و مبارزه سایر اقشار تهیدست جامعه برای پیشبرد اهداف صنفی ، سیاسی و طبقاتی خود بخشید. این اعتصاب در شرایط کنونی و درست بعد از انتخابات به یک معنا، اعلام همسویی کارگران در صنایع حیاتی و حمایت آنان از مردم و جواب دندان شکنی بود که به انتخابات جمهوری اسلامی دادند.

بر فاجعه کودک همسری نقطه پایانی بگذاریم!

ملکه عزتی

صفحه ۳

اعتصاب کارگران نفت شایسته بیشترین حمایت‌هاست!

صالح سرداری

صفحه ۶

بیانیه، کارگران و فعالین کارگری سندج، در حمایت از

اعتصابات سراسری کارگران پیمانی شرکت نفت و پتروشیمی!

صفحه ۸

پیروزی کارگران اعتصابی نفت و گاز پیروزی همه ما است

بیانیه سندیکای کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد

صفحه ۹

اطلاعیه جمعی از فعالان کارگری آذربایجان غربی:

کارگر نفت ما! رهبر سر سخت ما!

صفحه ۱۰

جامعه‌ی مدنی مریوان:

کشتن کولبران را متوقف کنید!

صفحه ۱۱

پیام دفتر مرکزی حزب حکمتیست:

درگذشت رفیق نعیم گروسی نژاد را تسلیت می گوئیم

صفحه ۱۰

شکست رژیم در انتخابات دوره سیزدهم هنوز پایان کار نیست

ابراهیم باثماني

صفحه ۱۲

پشتیبانی شیوخ مرتجع کردستان از رئیسی جنایتکار

همایون گدازگر

صفحه ۱۴

تجارب اعتراض و مبارزه و اعتصاب تا کنونی کارگران نفت و نقش تاریخ ساز آنان در تحولات سیاسی ایران، این بار نیز امید به پیشروی و پیروزی را در دل کارگران و همه مردم متنفر از رژیم سرکوبگراسلامی و تشنه آزادی و رفاه را زنده کرد. همه ما می دانیم که صنایع نفت، رگ حیاطی اقتصاد ایران به شمار می رود و به یاد داریم زمانی که کارگران شرکت نفت در قیام ۵۷ با يك اعتصاب عمومی وقتی شیرهای نفت را به روی دولت پهلوی و زالوها بستند چه اتفاقی بزرگی افتاد و چگونه پشت حکومت پهلوی را شکست. به این دلیل است که اعتصاب وسیع این دوره نفتگران نیز با این آگاهی و انتظاری که از آنها دارند، به حق، از حمایت بخشهای مختلف کارگری، بازنشستگان، معلمان و شورای سراسری رانندگان، خانواده های قربانیان آبانماه قرار گرفت و باعث دلگرمی کارگران اعتصابی پروژه ای و پیمانی در شرکت نفت و صنایع مربوط به آن شده است. علاوه بر این بی دلیل نیست وقتی کارگران نفت به میدان می آیند، حتی دشمنان کارگران که تا دیروز وجود کارگر را انکار می کردند، الان ازاعتصاب کارگران حمایت و احساس خشنودی می کنند. به عنوان نمونه رضا پهلوی در پیامی کوتاه آنها هم تحت عنوان "نافرمانی مدنی" بدون اشاره به مطالبات کارگران، از اعتصاب آنان حمایت کرده و آگاهانه با تقلیل دادن مبارزه کارگران به "نافرمانی مدنی" خصلت طبقاتی و ضد سرمایه داری آن

را کتمان کرده است.

با گسترش اعتصاب نفتگران، توطئه و تهدید به اخراج و تشدید فضای امنیتی برای به شکست کشاندن اعتصاب کارگران آغاز شد. دشمنان کارگران اعتصابی، ازدولت و مجلس و زالوها و دستگاههای امنیتی و امام جمعه ها همگی به مصاف کارگران آمده اند. گرایش محدود و اقلیت "قانونی - صنفی"، در میان کارگران رسمی تا پادوهای رژیم و اعتصاب شکن ها جهت کمک به دولت هنوز به قدرت نرسیده قاتلها" به خط شدند و با عنوان کردن کارگران رسمی و غیررسمی و وعده دادن به برآورده کردن خواست کارگران رسمی، و با عنوان اینکه کارگران پروژه ای - پیمانی و غیر رسمی ربطی به دولت و شرکت نفت ندارند، اعتصاب آنان را سرکوب و با شکست روبرو کنند.

دولت جمهوری اسلامی در سالیان گذشته با برنامه، بافت کارگری صنایع نفت را تغییر داده است. اکنون نزدیک به ۸۰ درصد از کارگران در صنایع نفت، کارگران پیمانی با قراردادهای سفید و موقت بدون هیچگونه مزایای حقوقی در شرایط غیر انسانی استثمار می شوند. در پی سیاست خصوصی سازی و تعدیل ساختار اقتصادی، دولت استخدام کارگران نفت و سایر مراکز کارگری را بیشتر به پیمانکارها و سرمایه داران خصوصی که عموماً از وابستگان و آقازاده و وابستگان هسته اصلی قدرت مثل سپاهو بسیج است، سپرده اند

و استثمار شدید نیروی کار، زندگی کارگران را سیاه کرده اند. اعتصاب کارگران پیمانی و غیر رسمی نفت که بیش از ۳۰ هزار کارگر را شامل می شوند، از جمله کارگرانی هستند که توسط پیمانکاران به شیوه ای غیر انسانی استثمار و از همه مزایای محدود کارگری نیز محروم شده اند. مطابق امار ۷ میلیون از کارگرانی که با قراردادهای سفید و موقت کار می کنند، فاقد بیمه های درمانی هستند و از اندک مزایای قانونی نیز بی بهره اند.

خواست کارگران پیمانی روشن و صریح است. افزایش دستمزد، لغو شرکت های پیمانی و قراردادهای موقت و انعقاد قراردادهای رسمی با شرکت نفت و وزیر مجموعه آن، بیست روز کار و ده روز تعطیلی در ماه، حق اعتراض و اعتصاب و داشتن تشکل مستقل کارگری و بهبود محیط ایمنی کار و زیستی کارگران از مطالبات اصلی کارگران به شمار می روند که تا کنون علاوه بر اعتراض و اعتصاب کارگران در هفته ها و ماههای گذشته به آن رسیدگی نشده و بی جواب مانده اند.

کارگر بهتر از هر کسی می داند که حق گرفتنی است. کارگران چاره ای جز اعتراض و اعتصاب و اتحاد برای تحمیل مطالبات خود به دولت و کارفرما و بهبود شرایط زندگی خود ندارند. کارگران نفت بر دوش تجارب تا کنونی مبارزه کارگران و نقشی که اعتصاب شرکت نفت در سیاست ایران دارد، نه تنها

بقیه در صفحه ۵



بر فاجعه کودک همسری نقطه پایانی بگذاریم!

ملکه عزتی

هم داده اند تا زنان و کودکان قربانیان بی صدا و بی چهره خشونت باشند. در این متون و قوانین ارتجاعی و بشدت ضد زن سن بلوغ برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال است. به این اعتبار دختران ۹ ساله و پسران ۱۵ ساله ازدواج هستند!! بربریت در این سطح و اندازه غیر قابل تصور است!

ازدواج کودکان تحت حمایت قانون و دستورات دینی فروش رسمی کودکانی است که در بیشتر موارد بابت تامین معاش خانواده معامله میشوند. اختیار والدین و خصوصا پدران بر سرنوشت و زندگی کودکانشان یکی از عوامل تعیین کننده در مسله کودک

هیچ ارگان و اداره و سازمانی در دفاع از حقوق این کودکان حتی زحمت تحقیق در این باره را به خود بدهد. ظاهرا و بنا به آمارهای ارایه شده توسط ثبت احوال در سال ۹۹ تنها در ۳ ماهه اول سال هفت هزار کودک همسری در کل کشور ثبت شده. ۹۹٪ این ازدواج ها مربوط به دختر بچه های ۱۰ تا ۱۴ سال است.

از قانون اساسی نوشته شده توسط مرتجع ترین عناصر حکومت تا "متون شرعی و دینی" که مبلغ بربریت و خشونت است و مملو از دشمنی با شادی و شاد زیستن تا آپارتاید جنسی حاکم بر قوانین رسمی و جاری کشور همگی در پروسه ایی بهم تنیده دست به دست

در گیر و دار همه معضلات و نابسامانی های سرسام آور اجتماعی و سیاسی که در جامعه بشدت متحول ایران به مثابه آتش زیر خاکستر و طوفان قبل آرامش عمل میکنند در ستون کوچکی در یک سایت اینترنتی میخوانم که کودک ۱۳ ساله سراوانی که ۳ ماه بعد از ازدواج حامله شده در هنگام زایمان در بیمارستان رازی سراوان جانش را از دست داد. وی در سن ۱۲ سالگی ازدواج میکنند و در ۱۳ سالگی جانش را بر اثر عدم تحمل شرایط زایمان از دست میدهد. طنز تلخ فاجعه این است که حدیثه نه وکیل مدافعی داشت و نه کسی علیه فاجعه ایی که منجر به مرگ او شده اعلام جرمی خواهد کرد، زیرا که داسی برای بریدن سرش و پاک کردن ناموسی در کار نبوده. یک مرگ عادی بر اثر زایمان!

مرگ حدیثه ها نه اولین مورد است و نه قطعا آخرین مورد خواهد بود. فاجعه کودک همسری و نقطه پایان نهادن به کودکی دختران و پسرانی که هنوز بازی های کودکی را سیر تجربه نکرده اند به روالی نسبتا عادی در بعضی مناطق تبدیل شده. از کردستان تا سیستان و بلوچستان و خراسان در جغرافیایی به وسعت ایران کودک همسری آشکار و پنهان در جریان است و فاجعه میافریند بدون اینکه



ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده‌ای را همه جا بر پا کنید!

همسری است. بسیاری از این کودکان بجای نشستن بر نیمکت مدرسه و گم شدن در دنیای کودکی و بازیهای کودکانه به سرنوشتی محکوم میشوند که ختم و انتهای آن داستان زندگی حدیثه است.

آنها در کودکی ناتمام در حسرت شادی های کودکانه با تن هایی نحیف و چشمهایی که هاج و واج به جستجوی اسباب بازیهای مندرس در گوشه اتاق خیره شده در معرض غیرانسانی ترین خشونت ممکن در زندگی کودکانه خود قرار میگیرند و شاهد خاموش مرگ کودکی و حسرت بازی در میان همبازیهایشان میشوند! در نوشته ای درسایتی اینترنتی به این جمله برخوردیم که از زبان یکی از قربانیان کودک همسری نقل شده .. هرگز فراموش نمی کنم آن حرف پدرم را وقتی سیزده سالم بود، روزی پدرم به مردی که برای خریدن موتورسکلیتش به منزل ما آمده بود گفت: برای دخترم هم مشتری پیدا کن، شوهرش میدهم!

دو سال قبل چرو نیکزاد دختر چهارده ساله اهل یکی از روستاهای مریوان که به اجبار پدر مجبور به ترك تحصیل و ازدواج با پسرعمویش شد يك هفته بعد از عروسی خودکشی کرد. اسمها و قربانی ها بی شمار است، دختر بچه افغانی که با ضرب و شتم و کتک کاری به خانه مردی ۵۰ ساله فرستاده میشد و با هر ضربه ایی که بر سرش وارد میکردند یکبار دیگر به سوی مادرش بر میگشت را در يك مستند تلویزیونی

دیدم درد آور بود و تکان دهنده. در محل کارم از کودکان ۶ ساله میپرسم دوست دارید چکار کنید؟ میگویند بازی و میروند سراغ ماشین بزرگ آتش نشانی و نقش آتش نشانها را بازی میکنند. کمی بعد میپرسم دوست دارید چکاره شوید؟ باز هم به دنیای بازهایشان برمیگردند و میگویند آتش نشان! رویای حدیثه و چرو و بقیه کودکانی که قربانی فاجعه کودک همسری میشوند چه بود را هیچکس نمیداند. نه کسی از آنان میپرسد و نه فرصتی برای رویا و خیالپردازی به آنان داده میشود. دنیای معصوم کودکی آنها با کابوسی دردناک و پایانی تلخ خاتمه مییابد.

سرنوشت رومینای ۱۳ ساله قربانی داس شقاوت پدر، مرگ حدیثه ۱۳ ساله اهل سراوان و بدنی که نه توان مادر شدن داشت و نه تاب زایمان، داستان چروی ۱۳ ساله و عصیانی که به مرگ او ختم شد و یا هزاران کودک و نوجوانی که در ۱۳ و ۱۵ سالگی یا طلاق گرفته اند یا در بحرانی ترین سالهای زندگیشان مسولیت يك زندگی ناخواسته برعهده دارند، از قبل نوشته نشده. این کودکان علاوه بر اینکه قربانی فقر، محرومیت، سنت ها و فرهنگ پوسیده و ارتجاعی درون جامعه هستند، همزمان قربانی آموزشها و دستورات سراپا خشونت مذهبی نیز هستند که این سنتها را بطور مداوم تبلیغ و روزانه با هزاران شیوه به درون جامعه پمپاژ میکنند. فرهنگ و قوانینی که دو چرخه سواری را برای

زنان ممنوع میدانند، در ۹ سالگی حجاب سر کودکان میکند و دختران ۹ ساله را آماده ازدواج میداند و برایشان جشن تکلیف میگیرد.

آنها قربانی خشونت مذهبی و بیحقوقی کامل زنان و کودکان در باوری بغایت ارتجاعی و پوسیده هستند. آنها قربانیان قوانین سراپا بربریت دینی و اصل حق مردان خانواده بر احساس و افکار و جسم زنان هستند. مرگ و زندگی این کودکان و سرنوشت تلخ و دردناک این دختران شاهدهی است بر این مدعی که مذهب و قوانین متکی بر احکام مذهبی در تضاد کامل با اصل اختیار انسان بر سرنوشت خویش قرار دارد. تازیانه عرف و مذهب ضربه هایش را روزانه بر بدن حدیثه ها، رومیناها و چروها وارد میاورد و از میان این بیدفاع ترین انسانها بشکل بیرحمانه ایی قربانی میگیرد.

بیش از ۴۰ سال است در سایه يك سیستم سرکوبگر، خشن و بغایت ارتجاعی زندگی اکثریت جامعه به تباهی کشیده شده. در این سیستم آسیب پذیرترین اقشار اجتماعی که بطور مضاعف مورد ظلم و ستم قرار میگیرند زنان و کودکان هستند. حالا حساب کنید که تعدادی از این زنان هنوز در سنین کودکی هستند و هیچ اختیاری بر تعیین سرنوشت و انتخاب شیوه و نحوه زندگی خود ندارند. دارای هیچ حق و حقوقی نیستند و قانونی برای حمایت از آنان در مقابل بیحقوقی مطلقه که با آن روبرو میشوند وجود ندارد همزمان

پدران صاحبان تام الاختیار آنها هستند. کاش به تعداد هر کدام از این کودکان فرزانه زیلابی هایی وجود داشتند تا سخنگو و وکیل آنان باشند و علیه قوانین و سنت و فرهنگ و مناسبات اجتماعی که دختر کودک ۱۲ ساله را به مسلخ ازدواج میفرستد اعلام جرم میکردند.

ازدواج کودکان، قتل زنان، محرومیت های خارج از تصور کودکان کار و خیابان، فقر و تحمیل شرایط بسیار سخت و غیر قابل تحمل اقتصادی به اقشار بسیار وسیعی از مردم محروم از تبعات این سیستم و قوانین نابرابر حاکم بر جامعه است. در جامعه ایی که برای امرار معاش و تامین حداقل های يك زندگی بخورو نمیر کودکان وارد بازار کار و استثمار میشوند، در سیستمی که بیش از ۴ دهه است سرکوب عریان تنها زبان و تنها شیوه ایی است که حکومت در مقابل مردم محروم جامعه برگزیده، دفاع از حق کودک و تامین يك زندگی شایسته برای کودکان نیاز به دخالتگری جدی فعالین همه عرصه ها دارد. هیچ عذری هیچ دلیلی که این وظیفه و این عرصه از فعالیت را در درجه دوم اهمیت قرار دهد پذیرفته شده نیست. قربانیان کودک همسری، رنج و درد کودکان کار و نابسامانی هایی که در خیابان و در حین کار با آن مواجه میشوند، انسانهایی هستند که به جای تحصیل، بازی، تفریح و رشد شخصیتی در سنین پایین وارد مرحله جدیدی از زندگی می شوند که مصایب آن کمر

بزرگسالان را نیز خم می کند تا چه رسد به کودکان بیدفاع و فاقد توان حفاظت از خود در مقابل این بیحقوقی و سلب اختیار. دقیقا از همین روست که همه فعالین عرصه های متفاوت اجتماعی برای دفاع از حقوق کودک و وظیفه بسیار خطیری بر عهده دارند.

ملکه عزتی ۳ جولای ۲۱

این فعالین اعم از فعالین اجتماعی، کارگری، زنان و همه انسانهایی که به نحوی درگیر عرصه هایی از مبارزه و تلاش هستند موظفند متحد و مصمم برای سد بستن در مقابل این فاجعه و نقطه پایان نهادن بر مرگهای ناشی از ازدواج کودکان و برای ممنوعیت ازدواج اجباری و کودک همسری تلاش و مبارزه کنند. هر چند نقطه پایان نهادن بر همه این مصایب مستلزم سرنگونی انقلابی جمهوری جنایت و کشتار اسلامی است اما در این عرصه نمیشود منتظر سرنگونی جمهوری

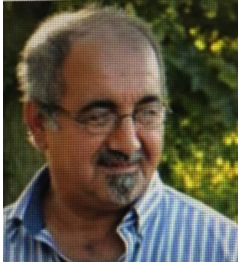
اعتصاب کارگران شرکت نفت...

می توانند مطالبات خود را به دولت و کارفرما تحمیل کنند، درعین حال با مبارزه و اعتصاب تا رسیدن به مطالبات بر حق خود، می توانند قدمهای مهمی مبارزه کارگران و سایر اقشار تهیدست جامعه را برای تحقق آزادی و برابری به جلو سوق دهند.

اعتصاب کارگران نفت و پتروشیمی شایسته بیشترین حمایت و پشتیبانی است.

سعید یگانه

۱۲ تیر ۱۴۰۰



اعتصاب کارگران نفت شایسته‌ترین حمایت‌هاست!

صالح سرداری

عنوان مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه داری، بلکه بنام نافرمانی مدنی از آن نام می‌برند و بخیال خود می‌خواهند آن را در این چهارچوب هضم نموده و به خورد مردم ایران بدهند. اما به راه افتادن این موج عظیم مبارزه کارگری برای بدست آوردن حقوق خود روشن تر و قدرتمند تر از آن است که نیروهای راست پرو غرب بتوانند آن را بنام نافرمانی مدنی به کجراه ببرند.

این مبارزه و اعتصاب کارگری با حمایت طبقه کارگر و نیروهای چپ و کمونیست روبرو شده و نور آملی را در میان اردوی چپ و کمونیسم و صف خلاصی از هیولای اسلامی تابانده است. در میان نیروهای چپی که نا امید و مایوس از بمیدان آمدن طبقه کارگر نظاره گر اوضاع بودند و خرده بورژوازی را اکثریت نیروی تشکیل دهنده جامعه میدانستند، تحرکی بوجود آورده است.

اعتصاب نفت و کارگران در کردستان.

در طی چهل و دو سال گذشته کارگران و کمونیست‌ها در کردستان، که تحت شدیدترین سرکوب‌ها و

توان خود را بکار انداخته است، تا کارگران رسمی شرکت نفت به این اعتصاب نپیوندند. وحشت رژیم از اعتصاب کارگران نفت آن چنان قوی بود، که مجبور شد نیروهای خودی تحت نام دانشجویان عدالتخواه را بسیج کند تا مانع گسترش این اعتصاب شود و آن را به شکست بکشاند. اما بنظر می‌رسد نمیتوان این غول عظیم را به آسانی سرکوب و کنترل کرد.

در این رابطه این تنها رژیم و حاکمیت نیست که به این اعتصاب واکنش داده است، بلکه اعتصاب قدرتمند شرکت نفت اوضاع سیاسی جامعه را بشدت تحت تأثیر خود قرار داده است. نیروهای چپ و راست در جامعه و اپوزسیون در خارج کشور را به حرکت در آورده است و آن‌ها را وادار به واکنش کرده است.

در جامعه کارگری تا بحال باعث شده بیش از صد مرکز کارگری به آن پیوسته و هر روز که می‌گذرد، بخش‌های دیگر از کارگران به آن می‌پیوندند، اعتصاب در سراسر ایران و منطقه انعکاس پیدا کرده و رسانه‌ها و میدیای جهانی نیز نتوانسته‌اند آن را نادیده بگیرند.

نیروهای راست و چپ اپوزسیون ایران آن را تعقیب کرده‌اند. رضا پهلوی و راست ایران این واقعه مهم را نه به

بحران‌های عمیق و همه جانبه رژیم اسلامی، با شکست مفتضحانه شان در نمایش انتخابات، که درصد بسیار کمی در آن شرکت کردند، عمیق و عمیق تر شد. هنوز يك روز از این شکست، در این مضحکه، نگذشته بود که اعتصاب قدرتمند کارگران نفت شروع و هر روز مراکز بیشتری را در بر گرفت.

این اعتصاب کارگران نفت با توجه به اهمیت آن باعث شده است تا کارگران در مراکز دیگر کارگری، و اقشار مختلف جامعه به دفاع از آن پردازند. به این ترتیب نفت این شاهرگ حیاتی اقتصاد ورشکسته حکومت اسلامی به میدان آمده است. رژیم در طی چهل و دو سال گذشته سعی کرده است، امکانات و حقوق بیشتری در اختیار کارگران رسمی نفت قرار دهد تا به این وسیله بتواند با تطمیع و تهدید آنها را از مبارزه باز دارد و خنثی کند. که تا اندازه‌ای موفق هم بوده است.

اعتصابی که در جریان است، کارگران غیر رسمی هستند که در صد بالایی از کارگران نفت را تشکیل می‌دهند. این اکثریت بالای کارگران نفت، از حقوق خود به عنوان کارگر محروم هستند.

در اعتصابی که کارگران نفت به آن دست زده‌اند، رژیم تمام تلاش و

ایران داده است تا با تقویت و گسترده تر کردن این مبارزه بتوان رژیم را بیشتر از هر زمان تحت فشار قرار داد و آن را زمین گیرتر و دستگاه سرکوبش را تضعیف کرد تا بتوان برای پیشروی های هر چه بیشتر کارگران و متشکل شدن این طبقه، تلاش و فعالیت کرد و در نهایت رژیم اسلامی سرمایه را سرنگون کرد.

زنده باد اتحاد طبقه کارگر

صالح سرداری

۱۳ تیر ۱۴۰۰

و اطلاعیه اعلام پشتیبانی و حمایت تعدادی از فعالین کارگری و ازادیخواه آذربایجان غربی از این جمله اند. این اعلام حمایت و پشتیبانیها نباید به این چند شهر محدود بماند بلکه باید همه شهر و روستاهای کردستان را در بر بگیرد. فعالین کارگری و کمونیست ها باید یا تمام توان خود در این راه بکوشند.

واقعیت این است اعتصاب قدرتمند طبقه کارگر در شرکت نفت که با حمایت و پشتیبانی دیگر مراکز کارگری و نهادها و سازمان های کارگری در ایران و دنیا روبرو شده است، امیدی را به طبقه کارگر مردم

فشار بودند، هیچ گاه تسلیم رژیم نشدند. تعداد زیادی از آن ها را اعدام و هزاران نفر را زندانی و تبعید کردند. اما علیرغم همه فشارها و تحمل رنج و زندانی شدن، از منافع طبقاتی خود دفاع کردند. در همه این سال ها مراسم های اول ماه مه و روزهای هشت مارس ها را زیر سرنیزه جنایتکاران برگزار کردند. آن ها را به اعدام و زندان های طویل المدت محکوم کردند و بجرم ایجاد تشکل از حقوق اجتماعی محروم کردند. تعدادی از رهبران را اعدام یا به زندان انداختند. گرایشات و احزاب راست و ارتجاعی آنها را تحقیر کردند و بیفایده بودن این مبارزه را به آنها گوشزد کرده و آنها را دعوت به مبارزه برای ملی گرایی کردند. تعدادی از حامیان سابق خود را که در يك حزب چپ و کمونیست فعال بودند، در صفوف ناسیونالیسم و احزاب آن دیدند.

اما با وجود همه این فشارها دفاع از منافع طبقاتی خود را به جان و دل خریدند. از آرمان ها و مطالبات خود دفاع کردند و امروز سربلند و با افتخار به حمایت از اعتصاب نفت و هفت تپه بر میخیزند. به همین دلیل است که با صادر کردن بیانیه هایی از این اعتصابات با شکوه آن دفاع کرده و اعلام حمایت و همسرنوشتی کرده اند. برای نمونه بیانیه ای با امضای بیش از صد نفر از فعالین کارگری و چپ در سنندج، بیانیه کارگران ساختمان سازی در میوان و سروآباد



ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده‌ای را همه جا بر پا کنید!

بیانیه، کارگران و فعالین کارگری سندج، در حمایت از اعتصابات سراسری کارگران پیمانی

شرکت نفت و پتروشیمی!

امروزه دیگر، بر کسی پوشیده نیست که جوش و خروش طبقه‌ی کارگر ایران تابع فراز و فرودهای اقتصادی جامعه بوده، و تکانه‌های ریز و درشت جنبش کارگری همواره نمایانگر سطوح مختلف بحران‌های مختلف آن می‌باشد.

در پرتو چنین رهیافتی و با نظر داشت این واقعیت که اعمال سیاستهای خصوصی سازی با هدف هر چه ارزانتر کردن نیروی کار کارگران تا چه اندازه ای زندگی زحمتکشان و توده های به تنگ آمده از ستم و نابرابری را با فقر و فلاکت روز افزون روبه رو کرده است، و تا جایی که ما هر روز شاهد گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری در جای جای این کشور پهناور می‌باشیم.

پیرو همین اعتراضات و اعتصابات روزافزون کارگری و اجتماعی، در روزهای اخیر شاهد بودیم که کارگران پیمانی صنایع نفت و پتروشیمی نقاط مختلف کشور در اعتراض به پایین بودن دستمزدها، نبود مرخصی متناسب با سختی کار، وضعیت قراردادهای کاری، شرایط غیراستاندارد محیط‌های کار و همچنین وضعیت آسفناک خوابگاه‌هایشان، دست به اعتصابات گسترده‌ای زده، و خواستار محقق شدن فوری مطالباتشان شدند. کارگران به صراحت در بیانیه خود اعلام کرده‌اند که "ما خواهان

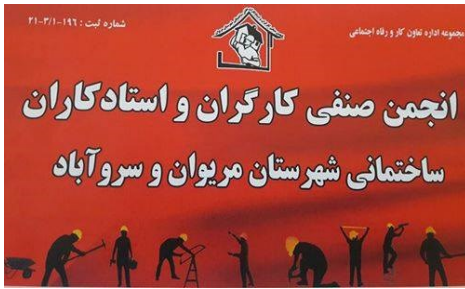
تحقق حقوق پایه‌ای و برخورداری از درمان و تحصیل رایگان برای همه‌ی مردم هستیم". کارگران نفت، آن رهبران سرسخت دیروز در گام نخست دیوار جداسازی با سایر کارگران در بخش‌های مختلف را فرو ریخته و در قامت بخش پیشرو و مبارز طبقه‌ی کارگر ظاهر شده، و با همبستگی و اتحاد خود خواستار سراسری شدن اعتصابات و مبارزات کارگری شدند.

ما کارگران و فعالین کارگری امضای کننده این بیانیه در سندج، ضمن اعلام حمایت گسترده از این حرکت و تلاش برای پیروزی آن، بر هم سرنوشتی یکایک اعضای طبقه کارگر در ایران تاکید می‌ورزیم؛ و هم‌صدا با سایر هم طبقه‌ای‌هایمان رفاه، امنیت شغلی، حق ایجاد تشکل مستقل کارگری و حق اعتصاب و اعتراض در محیط کار را جزء بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق کارگران می‌دانیم، و تهدید به اخراج هفتصد کارگر شاغل در پالایشگاه تهران را به شدت محکوم می‌کنیم.

اسامی امضا کنندگان:

۱۳. مریم صادقی ۱۴. صدیق صبحانی
۱۵. ایوب محمدی ۱۶. بختیار سعیدی
۱۷. نامق بابا خانی ۱۸. حامد محمودی نژاد ۱۹. عباس اندریانی ۲۰. پروین نامداری ۲۱. بهزاد زمانی ۲۲. صدیق فتاحی ۲۳. رفیق کریمی ۲۴. احمد قمری ۲۵. عبدالله خانی ۲۶. سعید محمدی ۲۷. زانیا دباغیان ۲۸. محمد خان گویلیان ۲۹. شادمان بنی بشر ۳۰. حسن حسن آبادی ۳۱. حسین قمری ۳۲. رحمان رحیمی ۳۳. آرام زندی ۳۴. پیام فتحی ۳۵. خلیل کریمی ۳۶. شمس الدین مرادی ۳۷. جمال کاظمی ۳۸. حمید صادقی ۳۹. طیب چتانی ۴۰. خبات دهدار ۴۱. فرهاد زندی ۴۲. بهنام فاتحی ۴۳. جواد اسماعیلی ۴۴. صدیق امجدی ۴۵. محمد مرادی ۴۶. مظفر اسدی ۴۷. مریم میره کی ۴۸. گل‌باغ بهمنی ۴۹. فواد زندی ۵۰. ادیب سوره بومه ۵۱. فرامرز شریعتی ۵۲. ابولحسن کمانگر ۵۳. جلیل دانایی ۵۴. حسن قادری ۵۵. ارس کریمی ۵۶. توفیق اسدی ۵۷. دلیر نصرالهی ۵۸. زانیار پورعابد ۵۹. علی سهرابی ۶۰. اشرف پیرخضری ۶۱. آرمان محمدی نوره ۶۲. شریف ساعدپناه ۶۳. هاوژین لطیفی ۶۴. علی صالحی ۶۵. جبار قادری ۶۷. موسی محمدی نوره ۶۸. وریا قمری ۶۹. عدنان فتحی ۷۰. آرمان نوری زاد ۷۱. پیشکو فاتحی ۷۲. غلامرضا

بقیه در صفحه ۹



انجمن صنفی کارگران و استادکاران
ساختمانی مریوان و سروآباد

۱۴۰۰/۴/۸

@nadaikargar

بیانیه، کارگران و فعالین کارگری ...

شریفه ۷۳. فرشاد فتحی ۷۴. پریسا خانزادپور ۷۵. سید هادی احمدی ۷۶. فرهاد چتانی ۷۷. بهزاد عزیززی ۷۸. هوشیار چتانی ۷۹. رحمت محمدی نوره ۸۰. کاوه احمدی ۸۱. مهدی غفاری ۸۲. عمران غفاری ۸۳. آزاد محمدی نوره ۸۴. حامد محمدی نوره ۸۵. نامق نوری ۸۶. افسر کریمی ۸۷. کاوه کریمی ۸۸. صفر صادقیان ۸۹. صالح خداکریمیان ۹۰. یونس کریمه ۹۱. سید مهدی نقشبندی ۹۲. جلال خدامرادی ۹۳. عدنان قادری ۹۴. حیدر آخته ۹۵. ابراهیم صادقیان ۹۶. رامین صالحی ۹۷. صالح اورامی ۹۸. نژاد ۹۹. محمد استادی ۹۹. عزت گویلیان ۱۰۰. محمد ویلیان ۱۰۱. فریدون زمانی

پیروزی کارگران اعتصابی نفت و گاز پیروزی همه ما است

بیانیه سندیکای کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد

کارگران در بخش های مختلف را نمایندگی می کند.

ما تشکلات کارگری مریوان با تمام توان از اعتصاب و اعتراض بر حق کارگران اعتصابی حمایت می کنیم و تک تک مطالبات این اعتصابات را خواست و مطالبه کل طبقه کارگر ایران میدانیم. هر نوع فشار و اخراج کارگران اعتصابی را به شدت محکوم می کنیم.

همچنانکه کارگران هفت تپه هم تاکید کرده اند، ما نیز ضمن حمایت کامل از کارگران و خواست و مطالبات آنها، از رفقای خود توقع داریم که هوشیارانه هر نوع تلاش برای شقه شقه کردن و اختلاف در میان خود به نام کارگر رسمی و غیر رسمی، قراردادی و غیر قراردادی، بومی و غیر بومی و ... را خنثی کنند. تاکید می کنیم که حفظ اتحاد ضامن پیروزی ما است و باید تلاش کنیم با اتکا به تصمیمات و خرد جمعی، با اتکا به دخالت همه کارگران و تصمیم جمعی خود، پیروزی خود را تضمین کنیم.

پیروزی کارگران اعتصابی پیروزی همه ما کارگران در ایران است. ما حق اعتصاب، اعتراض و تشکل یابی مستقل کارگران را ابتدایی ترین حقوق خود می دانیم.

حدود يك هفته است که اعتصاب کارگران صنایع نفت و گاز کشور در جریان است. اعتصابات گسترده ای که بیشتر از ۶۰ شرکت از صنایع کلیدی را در بر گرفته است. اعتصابات این دوره کارگران نفت و گاز با حضور هزاران کارگر رسمی و غیر رسمی، پیمانکاری و قراردادی و با هر تخصص و سابقه کاری، دیوارهای جداسازی خود با کارگران سایر صنایع دیگر را شکسته است و توطئه های انشقاق و فاصله بین کارگران را خنثی کرده است. شکاف بین کارگران قراردادی و رسمی و پیمانی و جداسازی های شرکتی را با اتحاد و همبستگی سراسری خود پر کرده اند.

افزایش دستمزدها، حذف شرکت های پیمانکاری و استخدام همه کارگران با قراردادهای مشابه کارگران رسمی، بازیابی زمان کار بر اساس ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت، بازگشت به کار کارگران اخراج شده، برخورداری همگانی از حق مسکن، درمان و آموزش رایگان و برخورداری از حق تجمع، اعتصاب و تشکل یابی مستقل، از مطالبات جمعی این اعتصابات است.

اعتصابات سراسری کارگران صنایع نفت و گاز خواست و مطالبات همه

اطلاعیه جمعی از فعالان کارگری آذربایجان غربی:

کارگر نفت ما! رهبر سر سخت ما!

خروش نفت گران بار دیگر فضای مبارزاتی طبقه کارگر را روشنایی بخشید. در این گرمای طاقت فرسا کارگران پیمانی شرکت های نفت و گاز و پتروشیمی و نیروگاهی جهت احقاق حقوق خود در یک حرکت بهم پیوسته و با حمایت سایر تشکلهای کارگری همچون هفت تپه؛ شرکت واحد؛ فولاد اهواز؛ معلمان؛ کارگران بازنشسته؛ داد خواهان آبان و همدلی بیشمار اردوی کار و زحمت که امکان نشر نظر و احساس خویش را ندارند آغاز وهران بر ابعاد آن افزوده میشود و این رعد و برق در آسمان بی ابر نیست در طی روز و ماههای پیش چندین تجمع از سوی کارگران رسمی و پیمانی در مقابل وزارت نفت و مجلس صورت گرفته بود.

اما سرمایه سالاران بی اعتنا به مطالبات کارگران مشغول جنگ و دعوا و تسویه بر سر خوان یغما بودند تا اینکه مقدمات طوفان فرا رسید. طوفانی که اگر عمق یابد و گسترده و متمرکز گردد بنیان ستم و استثمار را بر خواهد کند. رفقا ما چاره ای جز اتحاد و تشکل که در نهایت باید به تشکل سراسری کارگران منتهی شود نداریم.

ما ضمن حمایت از همه خواسته های بر حق کارگران پیمانی از کارگران رسمی نیز درخواست مشارکت در این اعتصاب را داریم چرا که درد مشترک

درمان مشترك دارد. از تمامی فعالان و تشکل های کارگری می خواهیم که ضمن حمایت از اعتصابیون خود را آماده همراهی با آنان بنمایند. از کارگران اعتصابی انتظار میرود محیط کار را اشغال نمایند و همچنین خواهان بازگشت به کار کارگران اخراجی گردند. پر واضح است که دشمنان طبقه بیکار ننشسته و سعی در سرکوب و انحراف و یا مصادره این حرکت بنفع خویش دارند. پس باید هوشیاری خود را چند برابر نموده و با بهره گیری از تجارب سایر کارگران در مقابل دسیسه های مکارانه مفت خوران و مفت بران آماده باشیم. درود و صد درود بر همت و عزمتان.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است.

نان. کار. آزادی. اداره شورایی

جمعی از فعالان کارگری آذربایجان غربی

پیام دفتر مرکزی حزب حکمتیست:

درگذشت رفیق نعیم
گروسی نژاد را تسلیت می گوئیم

با تأسف عمیق اطلاع یافتیم، روز ۳۰ ژوئن ۲۰۲۱ رفیق نعیم گروسی نژاد کمونیست شناخته شده و محبوب، از اعضای حزب کمونیست ایران و کومه له بعد از مدتی بیماری درگذشت. رفیق نعیم از جمله جوانان انقلابی در شهر سنندج بود که فعالانه در مبارزات و قیام مردم علیه رژیم سلطنتی پهلوی شرکت نمود و از همان هنگام بعنوان یکی از چهره های شناخته شده در سازماندهی شوراها و محلات در شهر سنندج شناخته شد. خصوصیات دلسورانه رفیق نعیم و بویژه نزدیکی با کارگران و زحمتکشان و اعتقاد عمیق به سازماندهی و آگاهگری وی را به چهره ی محبوب بدل نمود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست درگذشت رفیق نعیم گروسی نژاد را به بستگان، رفقای و همزمانش در حزب کمونیست ایران و کومه له تسلیت می گوید.

زنده باد یاد رفیق نعیم گروسی نژاد

دفتر مرکزی حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست

۱ جولای ۲۰۲۱

جامعه‌ی مدنی مریوان:

کشتن کولبران را متوقف کنید!

های آتی مسئولیم و باید در حد وسع و به هر شیوه‌ی ممکن، دین خود را در مقابل چنین ستمی ادا کنیم.

سخن آخر ما خطاب به کولبران و کسانی است که از این طریق امرار معاش می‌کنند: جامعه‌ی مدنی مریوان چنین شغلی را شایسته شما نمی‌داند و اعتقاد دارد، حاکمیت و دولت موظف است شغلی مناسب و درخور شان، برای همه شما تامین کند. اما امروز در این وضعیت لازم است برای مقابله با خشونت‌های نیروهای دولتی همه متحد و یکصدا باشید. شما بیشتر از هر کسی رنج و مشقت یکدیگر را درک کنید و نباید این به ناحق کشته شدن را سرنوشت محتوم خود بدانید. شما باید انداموار، یکدل و هم اراده برای به دست آوردن حقوق خود تلاش کنید و یقین داشته باشید می‌توانید در مقابل ستم و بی‌عدالتی روا داشته شده، ایستادگی نمایید.

جامعه‌ی مدنی مریوان

۱۲ تیر ماه ۱۴۰۰

و آینده به رویه‌ای معمول و روزانه تبدیل شود. لازم است مسئولین در سطوح مختلف موضع خویش را در برابر چنین تعدی آشکار، قاطع و واضح بیان کنند.

باید اقشار مختلف کوردستان هم به عام، مورد نقد واقع شوند که نباید نسبت به این همه ستم، تضییع حقوق، بی‌عدالتی، کشتن و زخمی کردن کولبران ساکت و بی‌موضع باشند. چه اگر امروز خون کولبرانی به ناحق ریخته می‌شود، فردای آن روز به بهانه‌های دیگر، سرنوشتی چنین گریبانگیر جامعه خواهد شد. بر همین مبنا فریاد تظلم خواهی و موضع‌گیری مناسب، نیاز تاریخی و نشان زنده بودن اراده‌ی انسانی و ملی است. عکس این (سکوت) هم نمود افول اخلاقی و از دست رفتن ارزش‌ها و تهی‌شدگی از خوی انسانی است. تک‌تک ما در برابر وجدان، تاریخ و نسل

همچنان که مستحضرید این روزها چندین جوان کولبر منطقه‌ی مریوان و هورامان با شلیک مستقیم نیروهای مرزی کشته و زخمی شده‌اند و نیز یقین دارید که این رخداد ناگوار نه اولین بار و نه آخرین کشتن خواهند بود. اما بی‌پروایی در کشتن‌های اخیر موجد گمان‌ها و سوال‌های زیادی برای مردم و جامعه مدنی مریوان شده است.

اقدام اخیر نیروهای مرزی در کشتن و زخمی کردن کولبران، رفتاری غیر انسانی، غیر اخلاقی و ناپسند و منافی حقوق بشر است. حتی به کارگیری خشونت‌ی چنین، با قوانین موجود جمهوری اسلامی نیز وفق نمی‌کند. بر این مبنا جامعه‌ی مدنی مریوان کشتن و زخمی کردن کولبران و هر نوع خشونت و آزار آنها را به شدت محکوم می‌کند و خود را موظف به واکنش چنین رفتارهایی می‌داند و نیز بیان نارضایتی‌ها را وظیفه خود و اقشار مختلف مردم می‌داند.

جامعه‌ی مدنی مریوان از مسئولین سیاسی و اداری منطقه می‌خواهد سکوت خود را در قبال خشونت بی‌پرده‌ی نیروهای نظامی مرزی نسبت به کولبران بشکند و نگذارند این خشونت و کشتن نسبت به عده‌ای جوان بیکار و شغل، و مستاصل از حال





شکست رژیم در انتخابات دوره سیزدهم هنوز پایان کار نیست

ابراهیم باتمانی

خارج کشور به عیاشی پرداخته و به کسی هم جوابگو نبودند.

اما زهی خیال باطل آن دوران به پایان رسیده است. مردم آزایخواه از هر فرصتی برای سرنگونی حکومت فاسدستان استفاده میکنند. مردم آزایخواه در این انتخابات نمایشی بار دیگر به شما ظالمان خونخوار نشان دادند که این حکومت دیکتاتوری را نمیخواهند زیرا این حکومت فاسد و خونریز قابل اصلاح نبوده و نیست. این حکومت از ابتدای سر کار آمدنش وصله ناجوری برای جامعه ایران بود. این حکومت ضد زن و ضد منافع کارگران است. این رژیم با علم، زندگی شاد و مرفه که در شان بشر امروزیست، ضدیت دارد.

حکومت اسلامی با هر نوع آزادی، برابری و ارزوهای انسانی مخالف بوده و هست. تحریم کردن انتخابات فرمایشی دوره سیزدهم رئیس جمهور ایران که از جانب اکثریت جامعه ایران بوقوع پیوست یک اتفاق و تصمیم سیاسی بزرگ در طول حاکمیت چهل و دو سال جمهوری اسلامی بود. اگر انتخاباتی این چنین در یکی از کشورهای جهان اتفاق میفتاد تاثیر چندانی بر ساختار و سیستم نظام سرمایداری آن کشور نداشت

اما برای رژیم ایران ساده نیست زیرا

خسته شده اند. مردم آزایخواه به این جنایتکاران اعلام کردند که چرا پولهای ما را در جریانات تروریستی کشورهای مختلف هزینه میکنید، در حالیکه کل طبقه کارگر و زحمت کشان در ایران در یک زندگی پر از فقر و فلاکت به سر میبرند. مردم آزایخواه به حاکمان و مزدوران اعلام کردند، داد زدند و گفتند که شما دروغ میگوید و کس دیگری دشمن ما نیست، دشمن ما کارگران و محرومان و انسانهای آزادی خواه و برابری طلب همین جاست و خود شما هستید.

دشمن ما حکومت جمهوری اسلامی است. شما جنایتکاران تاریخ، در سال ۱۳۹۸ هزار و پانصد نفر مردم آزاده را به ناحق کشتید. هزاران نفر را دستگیر و روانه زندانهای مخوف نمودید. شما آنها را زیر شدیدترین شکنجه ها و تجاوز قرار دادید. شما خون مردم آزایخواه را در کف خیابان ها ریختید. شما فحشا را در ایران رواج دادید و هزاران جنایت دیگر را در طول حاکمیت خونین خودتان در عرض این چهل و دو سال بر سر مردم آزایخواه در آوردید. در عرض این چهل و دو سال سران او باشان اسلام و هم پالگیهایشان از پول و ثروت باد آورده جامعه ایران برای خود و بچه هایشان ن چه در داخل ایران و چه در

انتخابات دوره سیزدهم در مرحله اول يك شکست بزرگ برای رژیم سرمایه داری اسلامی در ایران بود. در مرحله اول کسانی که به انتخابات بیست و هشت خرداد سال هزار و چهارصد "نه" گفتند، جای درود گفتن دارد. این نه گفتن به انتخابات يك مشت محکم به دهان حاکمان دزد و فاسد حکومت اسلامی بود. این حرکت سیاسی و قدرت اجتماعی که تمامی آزایخواهانه در داخل و در خارج از ایران از خود نشان دادند، پایه قدرت ستمگران و خون آشامان تفنگدارانشان را به لرزه در آورد. این حرکت بی نظیر و انقلابی مردم سرنگونی طلب و معترض در تاریخ ثبت گردید. مردم شرافتمند و آزادیخواه ایران برنده شدند و حکومت فاسد و ضد زن اسلامی باخت.

این حرکت انقلابی به دیکتاتورهای حکومت اسلامی فهماند دوران بگیر و ببند، ترس و وحشتی که آنها به وجود آورده بودند، تمام شده است. مردم انقلابی در ابانماه نود و هشت در صدها شهر ایران اعلام کردند که جمهوری اسلامی را نمیخواهند و ذلت و تحقیر را نمی پذیرند. مردم آزایخواه اعلام کردند "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا". مردم آزایخواه اعلام کردند که از گرسنگی، گرانی کمر شکن و زندگی ناامن

شورانی منتخب خود مردم هستیم ، ما خواهان جدایی مذهب از دولت هستیم زیرا مذهب و بی مذهبی امر خصوصی انسانها تلقی میشود.

در برنامه "يك دنياى بهتر" حزب حکمتیست ، كودك اولويت جامعه است. دولت موظف است امنیت مالی ، پزشکی ، روحی ، سلامتی ، آرامش و محل امن برای كودك را تضمین کند. حزب حکمتیست مخالف جامعه طبقاتی است . ما مخالف استثمار انسان از انسان هستیم . ما خواهان کار برای همه اقشار جامعه هستیم و اگر کار نبود ، دولت موظف است بیمه بیکاری به فرد بی کار را تعیین کرده تا زمانی که از طرف دولت کار برای فرد بیکار ایجاد شود. در برنامه حزب حکمتیست چند همسری ممنوع و جرم تلقی میشود . حزب حکمتیست برنامه و سیاست روشنی برای زندگی کل جامعه ایران دارد. به این حزب پیوندید و آن را تسخیر کنید. این حزب را ازان خود بدنید.

زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری

زنده باد سوسیالیزم

ابراهیم باتمانی

تیرماه ۱۴۰۰

دروغگویی و فساد بوده است. راه نجات فقط و فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی امکان پذیر است. ما کمونیستها و جنبش کمونیزم کارگری و در راس همه حزب کمونیست کارگری ایران (حکمتیست) با تمام توان و قدرت برای سرنگونی جمهوری اسلامی پیش قدم بوده و هستیم.

فران خوان من به تمام کارگران ، کمونیست های ازادبخواه و برابری طلب و انسانهای عدالت خواه و شرافمند و کسانی که ارزوی يك زندگی بهتر برای خود و آیندگان دارند این است که به حزب حکمتیست پیوندید زیرا این حزب برنامه روشن و سیاست طبقاتی روشنی برای آینده جامعه ایران دارد . ما خواهان جامعه ای هستیم که در ان زن و مرد از لحاظ سیاسی فرهنگی و اقتصادی با هم برابر باشند .

ما حزب حکمتیست مخالف سرسخت اعدام هستیم . ما مخالف سیستم طبقاتی هستیم ، ما مخالف هر نوع خشونت و نظامی کردن جامعه هستیم . ما مخالف

سیستم پارلمانی هستیم زیرا سیستم پارلمانی مردم را از دخالت کردن در امور زندگی خود و تصمیم گیریهای کلان کشور محروم میکند . این نوع سیستم پارلمانی يك نظام سرمایه داری است که نزدیک به دو قرن در نظام سرمایه در سطح جهان عمل میکند و همیشه در خدمت سیستم طبقات ثروتمند بوده و هست . ما حزب حکمتیست خواهان حاکمیت و سیستم

بزرگترین ضربه سیاسی ، ایدئولوژی و طبقاتی را خورد. این قدم بزرگی برای سرنگونی حکومت اسلامی بود. در این مرحله سرنگونی حکومت اسلامی کل طبقه کارگر ، رهبران کمونیست و ازادبخواه و برابری طلب و انسانهای شرافتمند و ازادبخواه بایستی خود را صاحب جامعه بدانند. این رژیم سر تا پا نکبت و ضد بشری از هر دوران بیشتر دچار بحران اقتصادی ، بیکاری وسیع جوانان ، بحران محیط زیست ، کم آبی ، گرانی و دودستگی در ساختار حکومت شده است. برای سرنگونی جمهوری اسلامی باید معلمان ، نهادهای اجتماعی و جنبش زنان هماهنگ با طبقه کارگرداران به میدان بیایند . نهادها و کمیته ها و شوراها را در محله های شهرها و محل کار و فعالیت خود سازمان دهید. بازنشستگان ، مال باختگان ، انسانهای معترض و ضد حکومتی و اقشار زحمتکش جامعه باید در نهادهایی که توسط رهبران و پیشروان طبقه کارگر و کمونیستها سازمان داده شده است گرد هم آیند زیرا شرایط آماده است.

مردم ایران به خصوص طبق کارگر و زنان ستم دیده به خوبی در یافته و تجربه کرده اند که تا این حکومت بر سر کار است خبری از آزادی ، رفاه ، کرامت و حرمت انسانی نیست . مطمئن باشید دولت ابراهیم ریئسی هم نمیتواند هیچ گرهی از مشکلات زندگی مردم را باز نماید زیرا این حکومت از ابتدای سر کار آمدنش تا به امروز مشغول دزدی ، اعدام ،



پشتیبانی شیوخ مرتجع کردستان از رئیسی جنایتکار

همایون گدازگر

قهقرا فرو برده اند .

اما نقش مخرب این شیوخ مرتجع محلی که در قالب صوفیگری و درویشگری و غیره در مقابل هر پیشرفت تمدن و نو آوری ای می ایستند ، تنها در رواج عقب افتاده گی و ارتجاع خلاصه نمی شود . این باندهای مذهبی بر خلاف ادعای خودشان کارشان تنها رواج مذهب و عقیده خودشان نیست ، بلکه در دل اوضاع بحران زده منطقه در تمام دوران های یار و یاور و پشتیبان دولت های دیکتاتور و سرکوبگر منطقه هستند و مزدوری و نقش جاسوسی و جیره خواری آنها نزد تمام مردم منطقه عیان و آشکار است . همین طریقه کس نزاری که امروز با تبلیغ برای به اصطلاح انتخابات جمهوری اسلامی نوکری خود را نشان می دهند ، در زمان حاکمیت رژیم بعث عراق هم نوکر و مزدور رژیم صدام بودند و وابستگی شان به رژیم سرکوبگر صدام را کسی نمی تواند انکار کند .

در کردستان ایران طایفه نقشبندی و لانه ارتجاع صوفیگری آنها که مقرر و خانقایشان در روستای دورود در منطقه مریوان برپا بود ، در زمان رژیم سابق همکار رسمی و سوگند خورده

او به کمک حکومت اقلیم کردستان به بارگاه آنها در کردستان عراق هجوم آوردند .

وجود منحوس دارودسته های شیوخ مرتجع و طریقت ها و روایات مختلف از اسلام سنی در بخش های مختلف کردستان سابقه ای طولانی دارد و در رواج عقب افتاده ترین مناسبات در بخش های عقب مانده کردستان گاه و بیگاه برای خود هواداران و پایگاهی سر همبندی کرده اند . قبل از روی کار آمدن جمهوری اسلامی بازار این گروه های مرتجع بعلت بیداری مردم و رواج علم و دانش و تلاش انسان های آگاه اندیشمند رو به افول بود . اما عروج اسلام سیاسی و به قدرت جمهوری اسلامی ، آن میدان لجنزاری بود که این عشیره های مذهبی دوباره در آن جان گرفتند و سوار بر گرده بخش های عقب مانده تخت و بارگاه مربوط به قرنهای گذشته را همچنان نگه داشتند . در تمام بخش های کردستان در منطقه ، این لانه های گندیده ارتجاع تحت عناوین و طریقت های مختلف مشغول اخاذی از مردم و تحمیق جامعه اند و در شرایط تحمیل زندگی جهنمی کنونی به مردم زحمتکش ، خود مزید بر علت شده و زندگی بخش هایی از مردم را بیشتر در

پیام شیخ نهرو کس نزاری ، یکی از فرعون های خود گمارده و تازه به قدرت رسیده طریقه کس نزاری در پشتیبانی از مضحکه انتخاباتی و تبلیغ برای ابراهیم رئیسی هر چند به لحاظ پیشینه مزدوری این دارودسته کهنه پرست در منطقه امر تازه ای نیست ، اما بخصوص در شرایط حساس سیاسی امروز ایران و کردستان قباح آن از هر زمان دیگری نمایان و مورد تنفر انسان های آزادیخواه و بخصوص مردم رنج کشیده کردستان است . این شیخ مرتجع قبل از مضحکه انتخاباتی اخیر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی از پیروان خود در کردستان ایران خواست تا در این مضحکه شرکت کرده و به ابراهیم رئیسی رای بدهند .

این دارودسته کپک زده و عصر حجری گرچه مقرات و تکیه و بارگاه اصلی آنها در کردستان عراق برپا است ، اما نوکر صفتیشان در دفاع از دولت های مرتجع و ضد مردم منطقه مرز نمی شناسد . همزمان حقارت نوکری چندین دولت کهنه پرست از قبیل شیوخ خلیج فارس ، ایران و ترکیه و غیره را بر دوش خود دارند . شیخ نهرو پسر شیخ محمد کس نزاری است که سال قبل سیل دراویش از کردستان ایران با وجود خطر کرونا برای شرکت در مراسم عزاداری فوت

دستشان باز بوده و حتی از امکانات عمومی دولتی هم برای اشاعه افکار ارتجاعی خود و تکثیر مساجد و مراسمهای متعدد مذهبی بهره مند بوده اند. در اثر این سیاست مشترک احزاب ناسیونالیست کرد و جریانات مذهبی که خود از منافع مادی مشترک آنها ناشی می شود، یک عقب گرد سیاسی - اجتماعی و فرهنگی قابل مشاهده به مردم کردستان عراق تحمیل شده.

اما همانگونه که سر بر آوردن رژیم مذهبی جمهوری اسلامی در ایران و هم چنین به قدرت رسیدن احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق در پرو بال دادن به این مرتجعین محلی نقش داشته است، در مقابل هم تغییرات اجتماعی ریشه ای در این جوامع و عقب راندن اسلام سیاسی و جریانات عشیره ای ناسیونالیست می تواند شر این جریانات کپک زده را از سر زندگی مردم کردستان کوتاه کند.

سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی نقشی اساسی در منزوی کردن این جریانات مزاحم و پوسیده در کردستان خواهد داشت.

همایون گدازگر

۱۳ تیر ۱۴۰۰

دبیر کمیته کردستان: صالح سرداری

saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر

شریف زاده

Abo_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست است که هر ماه یک بار منتشر می شود!

سردبیر نشریه همایون گدازگر

homayon_1954@yahoo.de

ساواک و رژیم پهلوی بودند. این باند فاسد باسرنگونی رژیم پهلوی بلافاصله به ارباب تازه اشان پیوستند و به نوکری و جاسوسی برای رژیم صدام حسین مشغول شدند. در همه مناطق این مرتجعین مشغول خبر چینی و جاسوسی برای دولت های سرکوبگر منطقه هستند و ادعای غیر سیاسی بودن و صرفاً مذهبی بودنشان پوچ و بی معناست. این غیر سیاسی بودن را تنها برای چشم بستن بر جنایات رژیم های سرکوبگر بر علیه مردم کردستان علم می کنند.

شیخ نهرو و طایفه کس نزاری که این چنین روشن از جمهوری اسلامی و آدمکشی مثل رئیسی پشتیبانی می کنند، در نزدیک به ۵۰ سال گذشته در برابر سرکوب و کشتار و خانه خرابی مردم در کردستان ایران و عراق لال مانده اند و داستان خوش و بش و مراودات صمیمانه آنها با رژیم صدام حسین بخصوص در سال ۱۹۸۸ میلادی، زمانی که رژیم بعث با کو چاندن و سربه نیست کردن دهها هزار نفر از مردم کردستان عراق آن نسل کشی مشهور را براه انداخت زبانزد مردم کردستان عراق است. این طایفه ها و انگل های جامعه در تمام دورانها و فاجعه هایی که در حق مردم زحمتکش انجام شده است، همواره در پناه رژیم های سرکوبگر در امنیت و آسایش و رفاه به اخاذی و ترویج کهنه پرستی ادامه داده اند.

اما ادامه حیات و اساساً عروج وافول این باندهای کهنه پرست رابطه مستقیمی با دست بالا پیدا کردن حاکمیت و نیروهای مذهبی در منطقه دارد. هر اندازه اسلام گرایان و حکومت و احزاب آنها در ترویج سموم مذهبی امکان خودنمایی داشته باشند این جریانات انگل هم امکان رشد و تکثیر بیشتر پیدا می کنند. در کردستان ایران به برکت حاکمیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی این دارودسته توانسته اند در سالهای اخیر به گسترش و رونق مساجد و تکایای خود در برخی از شهرهای کردستان ایران پیر دازند. در کردستان عراق و بخصوص تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست که در واقع هیچ تضادی با این فرقه های مذهبی ندارند هم در بر همان پاشنه می چرخد. به یمن حاکمیت این احزاب در کردستان جریانات اسلامی در کردستان عراق برای گسترش خود و تحمیل جامعه